



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۲۶

عبدالقیوم میرزاده

ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت هفدهم)

اما بعد از حمله امریکا به افغانستان و موجودیت قوت های مسلح ایالات متحده آمریکا و ناتو در کشور ما نقش پاکستان در کشور ما و منطقه به بازیگر فرعی تنزیل کرده و در بسا موارد سیاست های استراتژیک ایالات متحده امریکا در منطقه با منافع پاکستان در تقابل قرار میگیرد که این مسئله خشم پاکستان و استخبارات نظامی آنرا برانگیخته و با تشدید فعالیت های تخریبی در وجود طالب و داعش، تشدید تفرقه های قومی، مذهبی، زبانی بی ثباتی و نا امنی را در کشور ما به پیش برده که متأسفانه بنابر نبود مدیران مجرب سیاسی و اداری در افغانستان و نا توانی دولت افغانستان برای برون رفت از این بحران ها کفاره همه این سیاست های تخریبی پاکستان را مردم ما میپردازد. ایران یکی دیگر از بازیگران اصلی مسئله افغانستان بوده که بعد از حمله اتحاد شوروی در افغانستان میزبان حدود یکنیم میلیون مهاجر افغان بوده و بنا بر تعلق زبانی و مذهبی بیشتر از میان شیعیان افغانستان سرباز گیری کرده و همانند پاکستان گروه های مسلح شیعه را تربیه، تسلیح، تجهیز و سوق و اداره کرده و برای تخریب کاری و فعالیت های ضد مردمی و ضد حکومتی به کشور ما گسیل داشته و در تخریب و بربادی وطن ما سهم کمتر از پاکستان نداشته است.

امروز با آنکه ایالات متحده امریکا و ناتو منحنیت دشمنان ایران در افغانستان حضور دارند و با سیاست های دیکتات از حضور پر رنگ ایران در اداره سیاسی افغانستان و منطقه جلوگیری بعمل می آید که ایران با فرستادن نیرو های طرفدارش در درون دستگاه اداره کشور و تاسیسات فرهنگی ما هنوز هم نقش کلیدی خویش را در مسایل افغانستان حفظ کرده است. ایران که از موجودیت قوای امریکا در افغانستان شدیداً نا خشنود است از تمام ابزار دست داشته استفاده میکند تا سد راه تحقق پلانهای منطقوی و ستراتیژیک امریکا در افغانستان گردد که این امر شدیداً در بی ثباتی افغانستان تأثیر گزار بوده و کشور ما را نا امن نگه میدارد، گرچه تا کنون شواهدی از مداخلات مسلحانه و تسلیح گروپ های خرابکار از جانب ایران موجود نیست ولی از تحلیل وضع چنین بر می آید که ایران نه تنها در مخالفت با موجودیت قوای امریکا در افغانستان دارد بلکه به حیث رقیب منطقوی پاکستان از ازدیاد نقش پاکستان در افغانستان هم در هراس است، بناً جای شک باقی نمیماند که ایران نیز محتاطانه از همه وسایل و ذرایع برای تحقق اهدافش در افغانستان استفاده میکند.

هندوستان منحنیت یک قدرت منطقوی بنابر همسایگی اش با افغانستان و اختلافات شدید و دشمنی اش با پاکستان در طول فراز و نشیب های سیاسی – نظامی در کشور ما نقش پررنگ داشته و به هیچ صورت با نفوذ پاکستان در

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

افغانستان توافق نداشته و تمایل ندارد تا یک حکومت اسلامی رادیکال متعصب چون طالب و داعش در کشور مستقر گردد زیرا هندوستان هم در مسایل کشمیر قربانی تروریسم توسط اسلامگرا های رادیکال میباشد که در پاکستان تجهیز و تسلیح میگردند و پاکستان در زمان حکومت های مجاهدین و طالبان بعد از سال ۱۹۹۲ مخصوصاً بعد از به قدرت رسیدن طالبان در سال ۱۹۹۶ گروه های تروریستی کشمیری را در افغانستان تربیه، تسلیح و تجهیز کرده و به کشمیر گسیل میداشت.

در شرایط موجود هندوستان با استفاده از موجودیت امریکا و ناتو در گسترش مناسبات اش با افغانستان در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی سعی بلیغ دارد و تلاشهای دیپلماتیکش برای کم رنگ ساختن نقش پاکستان در افغانستان بسیار محسوس است.

روسیه به حیث وارث اتحاد شوروی احتمالاً ریزف ها و عناصر تأثیرگذار خویش را برای ایفای نقش در مسایل افغانستان دارد ولی از سقوط طالبان تاکنون به جز چند سفر تشریفاتی مقامات دولتی افغانستان به آن کشور و دید وادید های کاری در جریان جلسات دوره ای شانگهای کدام حرکت محسوس در قضایای افغانستان نداشته است، ولی ترافیک و صدور مواد مخدر از طریق آسیای میانه به آن کشور و صدور و نفوذ بنیادگرایی اسلامی بوسیله گروه های افراطی طالب و داعش از طریق افغانستان به کشور های آسیای میانه همپیمان روسیه و موجودیت قوای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو را در سرحدات کشور های همپیمانش و نزدیک سرحدات جنوبی اش به هیچوجه برایش پذیرفتنی نبوده و بی ثباتی روز افزون افغانستان در موجودیت قوای نظامی امریکا شک و تردید های فراوان را برای سیاست گزاران روسی ببار آورده است و احتمالاً در فکر آرایش و باز آرای نیروهای تأثیر گزار طرفدارش در مسایل افغانستان میباشد.

جمهوریت های آسیای میانه چون تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان از بدو جدایی شان از اتحاد جماهیر شوروی تاکنون در قبال افغانستان سیاست های نه چندان فعال داشته اند و مناسبات دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی شان مقطعی و بیشتر وابسته به واکنش ها و برخوردهای جانب افغانی بوده است ولی در موجودیت قوت های امریکا و ناتو در کشور ما مخصوصاً در شهر های همسرحد با این کشور ها پیوسته مراقب جابجایی ها و حرکت های استراتژیک این قوت ها بوده و در برخوردهای سیاسی و اقتصادی شان جانب احتیاط را در نظر دارند و نقش شان در حل مسایل افغانستان بیشتر وابسته به تأمین منافع شان از جانب دولت افغانستان میباشد. گرچه پروژه طالبان در گامهای نخستین بنا بر عقد قرار داد پایپ لاین انتقال گاز ترکمنستان از جانب کمپنی های یونیکال و برایداس که تأمین امنیت پایپ لاین و انتقال مصئون گاز از طریق افغانستان به کشور پاکستان و بندر کراچی از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI به همین منظور ایجاد گردید که بعداً قدرت را از جمعیت اسلامی و شورای نظار آن به زور تصاحب کرد. همچنان کشور های متذکره با عقد قرارداد های انرژی برق امروز به بزرگترین تأمین کننده انرژی برق افغانستان تبدیل شده اند که اگر از جانب حکومت افغانستان روابط با همسایگان درست مدیریت نگردد در آینده میتواند در بسا مسایل سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی مشکل ساز باشد.

عربستان سعودی یکی دیگر از کشور هایی که در طول بیشتر از سه دهه اخیر در مسایل افغانستان ایفای نقش کرده و سهم کمکهای نقدی معادل کمک های امریکا به جهادیون افغانستان داشته است علاوه بر نفوذش در بین کشور های اسلامی استفاده کرده همه آنها را یکسان غرض تأسیس

و گسترش حوزه های بنیادگرایی افراطی در پاکستان همکار و شریک خویش ساخت و به این ترتیب در رقابت با رشد سیطره ترکیه و ایران در میان کشور های اسلامی، خلیج و جنوب آسیا سرمایه گذاری هایی بزرگی را برای تحت نفوذ داشتن افغانستان بنا بر موقعیت جیو پولیتیک اش انجام داد که بعد از حمله اتحاد شوروی در افغانستان عربستان سعودی طرح ایجاد مراکز تربیه و پرورش بنیادگرا های افراطی و احزاب افراطی را از میان مهاجرین افغان برای اولین بار با جنرال ضیاالحق حاکم نظامی پاکستان طرح کرد و از طریق کمکهای مالی مستقیم خود عربستان سعودی و سایر کشور های عربی خلیج هزاران مدرسه دینی تربیه افراطگرایی تحت اداره مستقیم سازمان استخبارات پاکستان زیر نظر احزاب اسلامی افراطی پاکستان چون جماعت اسلامی پاکستان تحت رهبری قاضی حسین احمد و جمعیت العلمای اسلام تحت رهبری مولانا فضل الرحمن و تأثیر پذیری مستقیم از افکار اخوان المسلمین و اندیشه های وهابیت و سلفی توسط استادان عربی و پاکستانی ایجاد گردید و عربستان سعودی از این طریق در مسایل افغانستان اعمال قدرت و نقش کرده و به این ترتیب حضور خویش را در منطقه فعال نگهداشته است.

امروز با توسعه روز افزون قدرت اقتصادی سیاسی و نظامی چین، تلاشهای ایران برای دسترسی به سلاح هستوی و ارتقای پوتانسیل نظامی و اقتصادی ایران، احیای مجدد قدرت و پوتانسیل بزرگ نظامی و اقتصادی روسیه، منابع سرشار انرژی در آسیای مرکزی، قفقاز، دریای خزر و خلیج فارس و رشد قدرت اقتصادی و هستوی شدن هندوستان کشور ما را بنا بر موقعیت جیو پولیتیک، جیو استراتژیک، جیو اکونومیک و جغرافیای راهبردی آن در محراق سیاست های خارجی ایالات متحده امریکا، کشور های اروپایی، روسیه، چین، هندوستان، ترکیه، پاکستان، ایران و کشور های آسیای میانه قرار داده است، اگر این درایت، خردمندی و فهم در دستگاه رهبری کشور ما وجود داشته باشد که چگونه از این موقعیت مهم در تأمین امنیت سراسری، تحکیم پایه های حکومت مقتدر ملی، تربیه و تجهیز

کادر مسلکی برای اداره کشور، حصول و تأمین منافع ملی کشور و آبادی و رفاه همگانی استفاده اعظمی کرده و دگرگونی های مثبت را در زنده گی مردم آورده و کشور را بسوی شگوفایی رهنمون گردند. به یقین که فرصت طلایی برای کشور ما ایجاد شده است و رهبران خردمند و بادرک سالم از منافع ملی می‌توانند با در نظر داشت منافع متقابل کشور هاییکه مصمم اند از مجاری کشور ما منفعت ببرند منافع ملی کشور محبوب ما افغانستان را بصورت علمی و اندیشمندانه و در پرتو یک سیاست ملی و استراتژی طولانی مدت بوسیله کادر متخصص با تجربه فنی تأمین کنند.

از تحلیل اوضاع درون کشور و ارزیابی اوضاع بین المللی بر می آید که همه ظرفیت ها، پیش زمینه ها و شرایط برای بهره برداری سیاسی، اقتصادی، نظامی و راهبردی برای رهبری جمهوری اسلامی افغانستان هم در داخل کشور و هم در جو بین المللی ایجاد شده است و نیازمند تیم های با درایت و نخبگان ملی میباشد که از همه این اوضاع و ظرفیت ها برای حصول منافع ملی کشور، تحکیم پایه های یک حکومت ملی با ثبات و مقتدر، حل ریشه ایی معضلات سرحدی و آب مطابق به نورم های قبول شده بین المللی با همسایگان، نهادینه کردن دیموکراسی در تمام عرصه های زنده گی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اداری البته با شیوه های اقناعی از طریق آگاه سازی مردم از مزایای دیموکراسی و زنده گی با همی با اخلاق عالی انسانی نباید چیزی را بزور بر مردم تحمیل کرد به قول کارل پوپر دانشمند و جامعه شناس اطریشی انگلیسی ۱۹۰۲-۱۹۹۴ "کسانی که میخواستند در زمین بهشت بسازند جهنم ساختند"، حکومت و ارگانهاییکه خود را موظف و مکلف تعمیم دیموکراسی در کشور تعریف میکنند باید این درک را داشته باشند که احترام به عقاید و نظریات مردم خود مشخصه تعیین کننده ای دیموکراسی میباشد، نباید تحت نام دیموکراسی و آزادی به عقاید مردم تاخت و به آنها توهین روا داشت، این پروژه بسیار منفعت بار دشمنان افغانستان است که در خارج از مرز های کشور ما طراحی شده و عملی میگردد تا افشار متدین و میانه روی که به روال عادی زنده گی در کشور مشغول اند و به ترویج روحیه اعتدال مذهبی و سنتی در میان افشار مختلف کشور نقش بسزایی میتوانند ایفا کنند با این توهین ها و حقارت ها بطرف تشدد و بنیادگرایی رفته و بلاخره بدامان آنها ییکه در خارج از مرز هایمان بی صبرانه در انتظار شان هستند میافتند. بسیار علمی و عقلانی خواهد بود تا اولاً از طریق مراجع اکادمیک و تحقیقاتی البته در اینجا تأکید میکنم که از طریق مراجع پژوهشی افغانی جامعه با تفکیک خواسته های مدنی، فرهنگی و نظریاتی به ارزیابی گرفته شود تا از این طریق الویت های مدنی، فرهنگی، سیاسی و عقیدتی در کشور معین گردد و بدانیم که کدام پروژه و پروگرام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، هنری و مذهبی چه تعداد طرفدار در کشور دارد که به پیمان طرفدارانش در آن عرصه فرهنگی سرمایه گذاری های مادی و معنوی صورت گیرد و به آن سرو سامان اجرایی داده شود نه باید جامعه رازیر نام دیموکراسی به ابتدال کشید. (پایان قسمت هفدهم) ادامه دارد

یادداشت همکاران ویسایت: این نوشته قسمتی از کتابیست که در سالهای قبل نوشته شده و حرکت های اخیر ملی و منطقی در آن تنها پیشبینی شده بود که تذکار این حرکت ها از جانب نویسنده احتمالاً در چاپ بعدی در نظر گرفته خواهد شد.